



ماشیح؛ منجی یهود

به روایت تلمود

چوادر قاسمی قمی*

چکیده

فرجام‌شناسی به دلیل این‌که به آینده نادیده بشر ارتباط دارد و خبر دقیقی از آن در دسترس نیست، همواره از بحث‌انگیزترین آموزه‌های ادیان بوده است. در یهودیت هم به‌رغم ابهام در منشأ این آموزه که گروهی آن را تحت تأثیر تلاقی اندیشه‌های یهودی ایرانی در ایام اسارت بابلی می‌دانند، مفاهیمی هم‌چون ماشیح، رستاخیز مردگان، جهان آینده، آخرین داوری، بهشت و جهنم وجود دارد. گفتنی است پیوستگی مفهوم این آموزه‌ها در نگاهی کلی آنها را در امتداد یک‌دیگر قرار می‌دهد.

این نوشتار گزیده‌ای گزارش‌گونه و تفسیری از بخش ماشیح (فرجام‌شناسی) تلمود است. تلمود منبع سنت شفاهی آیین یهود به شمار می‌رود که تفاسیر مهم یهودی را دربر دارد.

واژگان کلیدی

ماشیح، موعود و منجی یهودی، فرزند داوود، تلمود، نشانه‌های ظهور ماشیح، آخرین داوری، جهنم، بهشت.

مقدمه

یهودیان برخلاف دیگر اقوام که دوران طلایی تاریخی خود را در گذشته‌های تاریک و بسیار دور می‌بینند، به آینده چشم دوخته‌اند و انبیای بنی اسرائیل بارها «روزهای آخر» را که هنوز فرا نرسیده، دوران اعتلای نهایی و عظمت ملی یهود یاد کرده‌اند. امید به آینده نورانی و سرشار از سعادت در دل عامه مردم، روزبه‌روز نه تنها شدت یافته، بلکه به رؤیاهای شگفت‌انگیزی هم دامن زده است. ماشیح (Mashiah) یا «تدهین شده با روغن مقدس» که از جانب خدا مأمور آغاز این دوران تازه و پر از شگفتی است، محور این آینده به شمار می‌رود. تلمود، منبع سنت شفاهی یهود، صدها بار به ماشیح و مأموریت او اشاره کرده است.

اعتقاد به ظهور ماشیح، ناگزیر هنگام بدبختی‌های ملی قوم یهود بیشتر می‌شده است. وقتی که ظلم و تعدی دولتی فاتح که ملت اسرائیل را به زیر سلطه خود می‌کشاند، تحمل ناکردنی می‌شود، یهودیان از روی غریزه به پیش‌گویی‌های کتاب مقدس درباره ظهور ماشیح روی می‌آوردند، تا در روزهای پر از رنج در برابر دشوارترین سختی‌ها تاب بیاورند و نگذارند یأس و حرمان بر آنان چیره شود.

تنها منکر ماشیح

ربی هلیل (قرن چهارم)، تنها کسی بوده که در این باره با تردید سخن گفته است: ملت اسرائیل دیگر ماشیحی که ظهور کند، نخواهد داشت؛ زیرا که در زمان حیزقیا (سلطان یهودا) بهره خود را از او برده‌اند.^۱

در رد این ادعا گفته‌اند که داوود از پیشینیان سزاوارتر بوده که ماشیح باشد؛ چرا که آن پادشاه اسرائیل آن‌همه سرود در وصف جلال خدا تصنیف کرده و خدا را مدح و ثنا نموده، ولی حیزقیا با آن‌همه معجزات و آیات که برایش نمایان شده، حتی یک سرود هم به درگاه خداوند نخوانده است.

ربان یوحان بن زکای، دانش‌مند برجسته قرن اول، در بستر مرگ چنین می‌گوید: یک کرسی برای حیزقیا پادشاه یهود که دارد می‌آید، آماده کنید.

این جمله رمزگونه علاوه بر پیش‌گویی ظهور ماشیح دلالت می‌کند که حیزقیا هم ماشیح بوده است.

هویت ماشیح

عقاید مختلفی درباره هویت ماشیح یا ناجی آینده، بیان شده است. بیشتر معتقدند که ظهور ماشیح و فعالیت‌های او در راه بهبود وضع جهان و تأمین سعادت بشر، بخشی از نقشه خداوند در آغاز آفرینش جهان بوده است:

اعتقاد به ظهور ماشیح، ناگزیر هنگام بدبختی‌های ملی قوم یهود بیشتر می‌شده است. وقتی که ظلم و تعدی دولتی فاتح که ملت اسرائیل را به زیر سلطه خود می‌کشاند، تحمل ناکردنی می‌شود، یهودیان از روی غریزه به پیش‌گویی‌های کتاب مقدس درباره ظهور ماشیح روی می‌آوردند، تا در روزهای پر از رنج در برابر دشوارترین سختی‌ها تاب بیاورند و نگذارند یأس و حرمان بر آنان چیره شود

پیش از آن که عالم هستی به وجود آید، هفت چیز آفریده شد: تورات، توبه، باغ عدن (بهشت)، جهنم، اورنگ جلال الاهی، بیت همیقداش، نام ماشیح.^۲

در میدراشی مؤخر چنین آمده است:

از آغاز خلقت عالم، پادشاه ماشیح به دنیا آمد؛ زیرا (لزوم وجود او) حتی پیش از آن که جهان آفریده شود، به ذهن (خداوند) خطور کرد.^۳

همه دانش‌مندان یهود ماشیح را انسانی می‌دانند که خداوند او را برای وظیفه‌ای ویژه مأمور کرده است. هیچ‌گاه تلمود به ناجی یا فوق انسانی بودن ماشیح اشاره‌ای ندارد.

درباره این که ماشیح داوود باشد و یا آن که از نسل او، اختلاف است: برخی او را با داوود پادشاه یکی می‌دانند و با استناد به آیه «بعد از آن بنی اسرائیل برگشته و خداوند خدای خود و داوود پادشاه خویش را خواهند طلبید»^۴ می‌گویند:

این پادشاه، ماشیح است. اگر او از زندگان است، نامش داوود است و اگر از مردگان است (که بعد زنده خواهد شد) نیز نامش داوود است.^۵

مخالفان نظر فوق با اشاره به آیه «نجات عظیمی به پادشاه خود می‌دهد و به ماشیح خویش احسان می‌کند، یعنی به داوود و به ذریت او تا به ابد»^۶ می‌گویند: در این آیه نوشته نشده «به داوود»، بلکه آمده است: «به داوود و به ذریت او».^۷ ماشیح از نسل پادشاه داوود خواهد بود و دانش‌مندان یهود او را «فرزند داوود» لقب داده‌اند. بیشتر یهودیان چنین اعتقاد دارند.

نام‌های ماشیح

آیاتی که به ماشیح اشاره دارند، نام‌های گوناگونی را برای او برشمرده‌اند. شاگردان دانش‌مندان نیز کوشیده‌اند برای ماشیح نام‌هایی همانند با نام استاد خود از متن آیات کتاب مقدس بیابند. شاگردان مکتب شیلا (Sheila) نام او را شیلو (Shiloh) می‌گویند: «تا که شیلو بیاید»^۸ شاگردان مکتب ربی ینای (yannay) او را یننون (yinnon) به معنای دوام می‌نامند: «نام او تا ابد باقی خواهد ماند و اسم او پیش آفتاب دوام خواهد کرد»^۹ شاگردان مکتب ربی حنینا (haninah) او را با استناد به آیه «زیرا که بر

شما ترحم (حنینا) نخواهد کرد»^{۱۰} حنینا می‌نامند. برخی اسم او را منحم بن حیزقیا (manahem ben hizghyah) می‌دانند و به آیه «زیرا تسلی دهنده (منحم) و تازه کننده جانم از من دور شده است»^{۱۱} استناد می‌کنند.

برخی او را مبروص مکتب ربی یهودا هناسی می‌نامند و به آیه «مسلماً او بیماری‌های ما را تحمل کرده و دردهای ما را بر خود حمل نموده است، ولی ما او را بلا کشیده و ضرب خورده و رنج دیده از جانب خداوند محسوب نمودیم»^{۱۲} استناد می‌نمایند. بلا کشیده به معنای مبروص است و ربی یهودا هناسی، سیزده سال از بیماری برص رنج می‌برد و آن را نشانه رحمت الاهی می‌دانست.^{۱۳} ماشیح، هم از طبقه رنج‌دیدگان خواهد بود که یهودا هناسی نمونه‌ای آشکار بر آن است.

نام‌هایی دیگر نیز برای ماشیح برشمرده‌اند، هم‌چون: صح (tazemah) به معنای نهال.^{۱۴} گفتنی است شماره حروف هریک از «صح» و «منحم» به حساب ابجد ۱۳۸ است که تشابه این دو نام را می‌نماید. هم‌چنین برنفله (barnaphle) به معنای فرزند افتاده با استناد به آیه «در آن روز خیمه داوود را که افتاده است، برپا خواهد نمود»^{۱۵} فرزند یوسف نیز عنوانی است برای شخصیتی که هم ردیف «فرزند داوود» در یهودیت مطرح است و مقام برجسته‌ای دارد.^{۱۶}

اعتقاد به ماشیح از منظر جامعه‌شناسی

اعتقاد به ظهور ماشیح، هنگام بدبختی‌های ملی شدت می‌یافته است. وقتی ظلم و تعدی دولتی فاتح بر ملت اسرائیل تحمل‌ناپذیر می‌شده، یهودیان از روی غریزه به پیش‌گویی‌های کتاب مقدس درباره ظهور ماشیح بیشتر توجه می‌کرده‌اند تا در روزهای پر از رنج در برابر شدیدترین سختی‌ها تاب بیاورند و نگذارند یأس و حرمان بر آنان چیره شود.

یک ماشیح دروغین

وسفوس، مورخ مشهور یهود، در تاریخ خود می‌گوید:

در سال‌های قبل از خرابی بیت همیقداش، افرادی ادعا می‌کرده‌اند که همان نجات دهنده‌ای هستند که انبیا ظهور او را از پیش خبر داده‌اند، مثل برکوخواو (barkohva)

که بعضی او را برکوزیوا (barkoziva) نامیده‌اند و رهبر شورش یهودیان بر رومیان بوده است. ربی عقبوا هرگاه او را می‌دید، می‌گفت: این همان پادشاه ماشیح است و به آیه «ستاره‌ای (کوخوا) از یعقوب طلوع خواهد کرد»^{۱۷} استناد کرده و آن را چنین تفسیر می‌نمود: کوزیوا از یعقوب طلوع خواهد کرد. ربی یوحانان بن تورتا در اعتراض به او می‌گفت: عقبوا از گونه‌های تو (در قبر) علف‌ها خواهند رویید و هنوز ماشیح فرزند داوود نیامده است.^{۱۸}

نشانه‌های پیش از ظهور ماشیح

پیش از ظهور ماشیح، نشانه‌هایی آمدن او را نوید می‌دهند که برخی از آنها عبارتند از:

- دردهای زایمان دوره ظهور ماشیح سخت و شدید خواهد بود؛
- تاریکی و سیاهی شب، قبل از دمیدن سپیده فزونی می‌یابد؛
- آشفتگی و فساد در جهان به بیشترین اندازه خواهد رسید و سختی‌های زندگی، تحمل‌ناپذیر خواهند شد؛
- جوانان به پیران بی‌احترامی خواهند کرد و آنان را خجالت خواهند داد و پیران در جلوی جوانان به پا خواهند ایستاد؛
- روی مردم چون روی سگ خواهد بود (از بی‌حیایی)؛
- محل تحصیل و مطالعه به اماکن فساد تبدیل خواهد شد و دانش دبیران فاسد خواهد گردید.

فرزند داوود (ماشیح)، فقط در دوره‌ای ظهور خواهد کرد که همه مردم آن یا معصوم باشند و یا مجرم.

دوران هفت‌ساله‌ای که ماشیح در آن ظهور می‌کند، چنین است:

سال اول بی‌بارانی، سال دوم قحطی، سال سوم قحطی شدید و مردن مردان، زنان، کودکان، متقیان و فراموشی تورات، سال چهارم سیری و وفور نعمت، سال پنجم سیری و فراوانی عظیم، بازگشت تورات به سوی آموزندگان، سال ششم به گوش رسیدن صداهایی از آسمان، سال هفتم درگرفتن جنگ و در پایان این دوران هفت‌ساله ماشیح می‌آید. هروقت بیینی دولت‌ها با هم به نزاع سیاسی که به جنگ‌های سخت می‌انجامد، می‌پردازند. داوود در مزامیر پنج‌بار از خدا خواسته است تا برخیزد؛ چهاربار مربوط به چهار دولت یونانیان، بخت‌النصر، هامان صدراعظم خشایارشا، رومیان و پنجمی مربوط به دولت گوگ و ماگوگ (یاجوج و ماجوج) است که در آخرزمان با قدرتی عظیم برضد اسرائیل به جنگ خواهد آمد.

زمان ظهور ماشیح

بیشتر دانش‌مندان یهود، کوشش برای محاسبه و یافتن تاریخ پایان دلت قوم اسرائیل و ظهور ماشیح را بسیار تقبیح کرده‌اند؛ چراکه در صورت تحقق نپذیرفتن، یأس و حرمان

- دردهای زایمان دوره ظهور ماشیح سخت و شدید خواهد بود؛
- تاریکی و سیاهی شب، قبل از دمیدن سپیده فزونی می‌یابد؛
- آشفتگی و فساد در جهان به بیشترین اندازه خواهد رسید و سختی‌های زندگی، تحمل‌ناپذیر خواهند شد؛
- جوانان به پیران بی‌احترامی خواهند کرد و آنان را خجالت خواهند داد و پیران در جلوی جوانان به پا خواهند ایستاد؛

را به دنبال خواهد داشت.

نهی از وقت‌گذاری برای آمدن ماشیح گاهی با لعن و نفرین همراه بوده است:

لعنت بر کسانی باد که تاریخ پایان ذلت اسرائیل و ظهور ماشیح را محاسبه می‌کنند؛ زیرا ایشان چنین استدلال می‌نمایند که اگر تاریخ پایان ذلت فرارسد و ماشیح نیاید، هرگز دیگر نخواهد آمد...

به رغم این اظهارهای شدید، برخی زمان ظهور ماشیح را چنین برآورد کرده‌اند:

۱. در سال ۴۲۹۱ از آفرینش (۵۳۱ میلادی) جهان ویران خواهد شد... و آن وقت ایام ماشیح پیش خواهد آمد؛
۲. در سال ۴۲۳۱ آفرینش (۴۷۱ میلادی)، ماشیح ظهور خواهد کرد؛

۳. اسرائیل، در ماه تیشری نجات خواهد یافت؛

۴. اسرائیل، در ماه نیشان (ازمصر) نجات یافت و در آینده نیز در ماه نیشان نجات می‌یابد؛

۵. ایلیای نبی خطاب به عالمی یهودی می‌گوید: دنیا دست‌کم هشتاد و پنج یوول (۴۲۵۰ = مدت هر یوول به سال) ۵۰ × ۸۵) دوام خواهد داشت و در یوول آخرین ماشیح خواهد آمد. آن عالم از ایلیا پرسید: آیا ماشیح در آغاز آن یوول ظهور خواهد کرد، یا در پایان آن؟ ایلیا جواب داد: نمی‌دانم. این پیش‌گویی بین سال‌های ۴۴۰ تا ۴۹۰ میلادی را دربر می‌گیرد.

در مقابل این نظریات که زمان مشخصی برای آغاز دوران ماشیح در نظر گرفته شده، نظریه دیگری زمان ظهور را بنابر کردار مردم تغییر یافته ذکر کرده است: «من خداوند در وقت خودش آن را تسریع خواهم کرد».^{۱۹}

در تغییر عبارت فوق گفته‌اند: «اگر امت اسرائیل استحقاق آن را داشته باشد، نجات ایشان را تسریع خواهم کرد و اگر استحقاق نداشته باشد، در وقت خودش آنها را نجات خواهم داد».^{۲۰}

زمینه‌سازی و شرایط ظهور

راو آشه از علمای متأخر تلمود می‌گوید: مقصود دانش‌مندان از ذکر تاریخ‌های یاد شده برای ظهور ماشیح این بوده که تا آن تاریخ نباید منتظر آمدن ماشیح بود، ولی از آن به بعد باید انتظار ظهور او

را داشت: «همواره منتظر ظهور او باش، اگرچه (فرا رسیدن پایان ذلت) تأخیر نماید، مع ذلک در انتظار باش».^{۲۱}

در تلمود آمده است: «توبه کاری عظیم است؛ زیرا که نجات را نزدیک می‌کند،^{۲۲} زمان‌هایی که برای پایان ذلت معین شده بود، سپری گشت و ماشیح هنوز نیامده است و ظهور او فقط بسته به توبه مردم و اعمال نیکی است که انجام دهند».^{۲۳}

اگر ملت اسرائیل فقط یک روز توبه کند، یا یک (شبانه روز) شنبه را به طور صحیح و کامل نگه دارد، بی‌درنگ ماشیح خواهد آمد.^{۲۴} اگر ملت اسرائیل دو شبانه روز شنبه را طبق قوانین آن نگه دارند، بلافاصله نجات خواهند یافت.^{۲۵}

خصوصیات دوران ماشیح

دوران ظهور ماشیح از منظر یهودیان، دورانی سراسر پر خیر و برکت و همراه با رفاه و امنیت است. نیروی باروری طبیعت به میزانی شگفت‌انگیز و معجزه‌آسا فزونی خواهد یافت. در این باره نمونه‌هایی در زیر می‌آید:

۱. برای حمل یک حبه انگور، گاری یا قایق لازم است و باید آن را در گوشه خانه گذاشت...^{۲۶}

۲. غلات در مدت یک ماه رشد می‌کنند و درختان ظرف دو ماه میوه می‌دهند؛

۳. ربی یوسه می‌گوید: غلات ظرف پانزده روز به عمل می‌آیند و درختان در مدت یک ماه میوه خواهند داد؛^{۲۷}

۴. در سرزمین اسرائیل، گرده‌هایی از عالی‌ترین آرد و پارچه‌هایی از نفیس‌ترین پشم در زمین خواهد رویید؛

۵. یک دانه گندم به اندازه دو قلوه یک گاو بزرگ خواهد بود؛^{۲۸}

۶. در جهان آینده، زنان هر روز خواهند زایید و درختان هر روز میوه خواهند داد؛^{۲۹}

ذات قدوس مبارک، ده چیز را در دوران ماشیح تازه خواهد کرد:

۱. او خود جهان را به نور خویش روشن خواهد کرد، چنان که مکتوب است: «بار دیگر آفتاب در روز نور تو نخواهد بود و ماه با درخشندگی برای تو نخواهد تابید؛ زیرا که یهوه نور جاودانه تو و خدایت، زیبایی تو خواهد بود».^{۳۰}

۲. از اورشلیم آب روان جاری خواهد ساخت و هرکسی را که بیماری داشته باشد، به واسطه آن شفا خواهد داد؛^{۳۱}
۳. درختان را وادار می‌کند تا همراه میوه بیاورند و انسان از آن میوه‌ها می‌خورد و شفا می‌یابد و بر لب آن نهر در این طرف هر نوع درخت خوراکی خواهد روید که برگ آن پژمرده نخواهد شد و میوه‌اش تمام نخواهد گشت...^{۳۲}
۴. تمام شهرهای ویران را از نو آباد خواهد کرد و در جهان ویرانه یافت نخواهد شد...^{۳۳}
۵. خداوند اورشلیم را با سنگ‌های یاقوت کبود از نو بنا خواهد کرد...^{۳۴} و آن سنگ‌ها هم‌چون خورشید نور خواهند داد و بت‌پرستان آمده و عزت و جلال اسرائیل را خواهند دید؛^{۳۵}
۶. صلح جاودان در سراسر طبیعت حکم‌فرما خواهد شد: «گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و گاو پروار با هم خواهند زیست و طفل کوچک آنها را خواهند راند و گاو با خرس خواهد چرید و بچه‌های آنها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو گاه خواهد خورد و طفل شیرخواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و کودک از شیر بازداشته شده، دست خود را بر لانه افعی خواهد گذاشت»؛^{۳۶}
۷. خداوند، تمامی حیوانات و خندگان را فراخوانده و با آنها و با تمام اسرائیل عهد خواهد بست؛^{۳۷}
۸. گریه و شیون و زاری در جهان نخواهد بود؛^{۳۸}
۹. مرگ، دیگر در دنیا وجود نخواهد داشت؛^{۳۹}
۱۰. دیگر نه آه و ناله‌ای به گوش خواهد رسید و نه فریاد و فغانی، نه غم و اندوهی و نه حزن و ماتمی وجود خواهد داشت، بلکه همه شادمان و خوش حال هستند: «و فدیة شدگان خداوند بازگشته و با ترنم صهیون خواهند آمد.»^{۴۰}

کارکردهای دیگر ماشیح

- از منظر جامعه‌شناسی هم می‌توان دوران ظهور ماشیح را دارای این خصوصیات دانست:
۱. برقراری صلح پایدار و بی‌زوال و شادمانی و خرسندی در سراسر جهان؛
 ۲. کوران شفا می‌یابند و لنگان شفا خواهند یافت؛
 ۳. بندگان همگی هم‌دوش و متحد خواهند شد تا نام خدا را بخوانند و او را پرستش کنند؛
 ۴. خوش‌بختی ملت اسرائیل؛ ظلم و جور که از جهانیان تحمل کرده‌اند، پایان خواهد یافت و به مقام عالی که خداوند برایشان مقدر کرده، خواهند رسید. ماشیح، جمع‌آوری و اتحاد اسباط اسرائیل را عملی خواهد کرد، هرچند بعضی می‌گویند: «ده سبط اسرائیل سهمی از جهان آینده ندارند.»^{۴۱} برای جمع‌آوری پراکندگان اسرائیل باد از دو جهت جنوب

کوشش برای محاسبه و یافتن تاریخ پایان نلت قوم اسرائیل و ظهور ماشیح را بسیار تقبیح کرده‌اند؛ چراکه در صورت تحقق نپذیرفتن، یأس و حرمان را به دنبال خواهد داشت. نهی از وقت‌گذاری برای آمدن ماشیح گاهی با لعن و نفرین همراه بوده است

و شمال می‌وزد.^{۴۲} تجدید بنای شهر مقدس اورشلیم که قبل از گردآمدن مجدد اسباط پراکنده اسرائیل است.^{۴۳}

برقراری مجدد معبد بیت همیقداش سوم که کارکرد آن با بنای اول و دوم معبد که برای قربانی‌های کفاره گناهان بود، متفاوت است: «در جهان آینده، گذرانیدن همه قربانی‌ها متوقف خواهد شد به جز تقدیم قربانی شکرانه که هرگز ترک نخواهد گشت»^{۴۴}

مزیت بزرگ دوران ماشیح، نجات اسرائیل از ستم‌گران است، ولی برای رهایی از بدبختی‌های گوناگونی که آدمی گرفتار آن است، باید صبر کند تا زمانی که رخت از این جهان بریندند. البته بعضی هم دوران ماشیح را یک مرحله انتقالی میان دنیای کنونی و جهان آینده می‌دانند.

رجعت مردگان

اعتقاد به ماشیح با ایمان به حقیقت رستاخیز مردگان هم‌راه است، البته مردگانی که شایسته چنین پاداش و موهبتی باشند. از آن‌جا که دوران ماشیح چنین خوشی‌ها و چنین سعادت عظیمی را با خود خواهد آورد، حق این است که به نیکوکارانی که از جهان گذشته‌اند، اجازه داده شود تا در آن شرکت جسته و شیران و بده‌کاران از آن محروم گردند.

نزدیک ایام ماشیح، طاعون عظیمی به جهان خواهد آمد و شیران با آن نابود خواهند شد.^{۴۵}

طول دوران ماشیح

درباره طول مدت دوران ماشیح نظریه‌های گوناگونی ارائه شده است که برخی از آنها در کلام بزرگان یهود آمده است. ربی عقبوا می‌گوید: «چهل سال به اندازه سرگردانی اسرائیل در بیابان پس از خروج از مصر، طول می‌کشد.»

ربی الیعزر فرزند ربی یوسه، آن را یک‌صد سال می‌داند. ربی برخیا از قول ربی دوسا شش‌صد سال، ربی یهودا هناسی چهارصد سال به اندازه مدت غربت مصر (یا سه نسل)، ربی الیعزر فرزند هورقائوس هزار سال، ربی اباهو هفت هزار سال، العازار بن عزریا هفتاد سال، ربی اویمی (avimi) فرزند ربی اباهو هفت هزار سال، راو یهودا از قول شموئل به اندازه مدتی که از آفرینش جهان تاکنون گذشته است، راو نعمان براسحق به اندازه زمانی که

از طوفان نوح تاکنون سپری شده است، و الباهو عمر این دنیا را شش هزار سال می‌داند؛ دو هزار سال اول آن دوره آشفتگی، دو هزار سال دوم دوران حکومت تورات و دو هزار سال آخر بایستی دوران ماشیح باشد، ولی به دلیل گناهان زیاد ما، سال‌های بسیاری از دوران ماشیح بیهوده سپری شده است.^{۴۶}

بسیاری از غیریهودیان کوشش خواهند نمود تا به جامعه ایشان بپیوندند، ولی چون محرک اصلی آن سهیم بودن از سعادت اسرائیل است و نه گرویدن به دین موسی، آنها را نخواهند پذیرفت.^{۴۷}

رستاخیز مردگان

اعتقاد به رستاخیز از اصول دین و ایمان یهود است و انکار آن، گناهی بزرگ محسوب می‌شود. در تورات آمده است:

«کسی که به رستاخیز مردگان معتقد نباشد و آن را انکار کند، از رستاخیز سهمی نخواهد داشت و زنده نخواهد شد.»^{۴۸}

علمای یهود، اعتقاد به رستاخیز را موضوع یکی از دعا‌های «برکات هجدگانه» که بخش مهمی از نمازهای روزانه است، قرار دادند. آن دعا چنین است:

تو تا به ابد جبار هستی، ای خدا تو زنده کننده مردگان هستی... و کی شبیه توست ای پادشاهی که مرگ و زندگی به دست توست و نجات را می‌رویانی و تو امین هستی که مردگان را زنده می‌کنی. متبارک هستی تو ای خدایی که مردگان را زنده می‌کنی.

در پاسخ به منکران معاد مقرر شد، در پایان دعا‌های بیت همیقداش بگویند: از این جهان کنونی تا آن جهان آینده.^{۴۹}

منکران معاد

ایمان به رستاخیز از نکات اختلافی فرسیان و صادقان بوده است؛ صادقان معتقد بودند که با مردن جسم، روح نیز معدوم می‌شود و مرگ پایان موجودیت انسان است، پس پاداش و مجازات هم نیست. علت ظاهری انکار صادقان این بود که در اسفار پنج‌گانه ذکر می‌شود که موضوع نیست و فقط در تورات شفاهی که مورد قبول آنها نیست، آمده است.

علمای یهود، این نظر را که در اسفار پنج‌گانه ذکر می‌شود از رستاخیز

مردگان نیامده، به شدت رد کرده و در تلمود گفته‌اند:

هیچ قسمتی از تورات (کتبی) نیست که به اعتقاد رستاخیز مردگان دلالت نکند،
لکن ما صلاحیت نداریم که آن را بدین معنا تفسیر کنیم.^{۵۰}

شومرونی‌ها یا سامره‌ای‌ها هم منکر اعتقاد به رستاخیز مردگان بودند و می‌گفتند: در
تورات دلیل رستاخیز مردگان نیست.

آیات دال بر رستاخیز مردگان در تورات

معتقدان به وجود آیات دال بر رستاخیز در تورات به این عبارات استناد می‌کنند:

و از آنها، هدیه افراشتنی خداوند را به هارون کاهن بدهید.^{۵۱}

هارون که تا ابد زنده نبود بلکه در جهان آینده زنده خواهد شد و بنی‌اسرائیل
هدیه‌های افراشتنی خود را به او خواهند داد.^{۵۲}

و شما به خداوند خدای خود ملحق شده‌اید، همگی تان امروز زنده هستید.^{۵۳}

حتی در روزی که اهل جهان مرده‌اند، شما زنده خواهید بود، یعنی همان‌طور که
امروز زنده‌اید، در جهان آینده نیز همگی شما زنده و برپا خواهید بود.^{۵۴}

من می‌میرانم و زنده می‌کنم.^{۵۵}

به قرینه عبارت بعد که می‌گوید: «من مجروح کرده‌ام و خودم شفا خواهم داد»،
می‌فهمیم این مرده و زنده شدن هم برای یک نفر است، نه این که خدا یکی را بمیراند و
دیگری را به رسم معمول دنیا زنده کند.

آن وقت موسی و بنی‌اسرائیل این سرود را برای خداوند خواهند دید.^{۵۶}

نگفته شده سرابیدند بلکه «خواهند سرابید» آمده که مربوط به آینده است.

خوشا به حال آنانی که در خانه تو ساکنند و بار دیگر برای تو تسبیح خواهند
خواند.^{۵۷}

گفته نشده برای تو تسبیح خوانده‌اند یا می‌خوانند، بلکه برای تو تسبیح خواهند
خواند.

رئون زنده بماند و نمیرد.^{۵۸}

رئون زنده بماند در این جهان و نمیرد در جهان آینده.

و بسیاری از آنان که در زمین خاکی خفته‌اند، بیدار خواهند شد. اینان برای زندگی
جاودانه و آنان برای (تحمل) رسوایی و ننگ ابدی.^{۵۹}

و اما تو به آخرت برو و بدان که استراحت خواهی کرد و در آخر ایام برای سهم بردن
نصیب خود، به پا خواهی خاست.

آن‌جا البته منقطع خواهد شد و گناهِش بر وی خواهد بود.^{۶۰}

ایمان به رستاخیز از
نکات اختلافی فرسیان
و صادوقیان بوده
است؛ صادوقیان معتقد
بودند که با مردن
جسم، روح نیز معدوم
می‌شود و مرگ پایان
موجودیت انسان است،
پس پاداش و مجازات
هم نیست. علت ظاهری
انکار صادوقیان این
بود که در اسفار
پنج‌گانه ذکری از این
موضوع نیست و فقط
در تورات شفاهی که
مورد قبول آنها نیست،
آمده است

هنگامی که به سرزمین اسرائیل برسند، ارواحشان به آنها خواهد پیوست و زنده خواهند شد.^{۶۷}

منادی بشارت ظهور ماشیح

الیاس نبی، مأمور واقعه عظیم رستاخیز و منادی بشارت ظهور ماشیح خواهد بود. در تلمود آمده است:

رستاخیز مردگان توسط ایلیا عملی خواهد شد.^{۶۸}

و عادلان و نیکوکارانی که ذات قدوس متبارک آنها را در آینده دوباره زنده خواهد کرد، هرگز به خاک برنخواهند گشت.^{۶۹}

جهان آینده و رابطه آن با دوران ماشیح

دانش‌مندان دوران اولیه، دوره ماشیح را با جهان آینده یکی نمی‌دانستند و معتقد بودند منجی موعود به وضع و نظام فعلی در این جهان پایان داده، نظامی جاودان برقرار خواهد ساخت که در آن، افراد عادل و نیکوکار یک زندگی روحانی فارغ از قید و بندهای جسم را طی خواهند کرد. معلمان دوران‌های بعدی، دوره ماشیح را مرحله‌ای زودگذر واقع میان دنیای فعلی و جهان آینده می‌دانند.

نکته مورد اتفاق با استناد به عبارت «این جهان دالانی است در جلوی جهان آینده، خود را در این دالان آماده کن تا بتوانی داخل تالار شوی»^{۷۰} زندگی کنونی انسان در این جهان است که مقدمه‌ای به شمار می‌رود برای حیات جاودان دیگری که از زندگی فعلی او بسی عالی‌تر خواهد بود.

برخی جهان آینده را سرّی الهی می‌دانند و معتقدند:

این راز که افرادی که امتیاز ورود به تالار را خواهند داشت، در آن‌چه خواهند دید، بر هیچ‌کس و حتی پیامبران اسرائیل فاش نشده است و فقط خداوند می‌داند. حتی موسی گفت: من نمی‌دانم به شما چه بگویم لکن به واسطه آن‌چه برای شما آماده شده است، شما خوش‌بخت خواهید بود.^{۷۱}

خصوصیات جهان آینده

دانش‌مندان یهود، جهان تازه‌ای را در نظر خود مجسم می‌کنند که در آن عدم مساوات و بی‌عدالتی‌های جهان کنونی از میان رفته

عبارت اول یعنی در این جهان و گناهش بر وی خواهد بود یعنی جهان آینده.^{۶۱}

سه چیز هستند که سیر نمی‌شوند: هاویه، گور و رحم نازا.^{۶۲}

همان‌طور که رحم (زهدان) دریافت می‌کند و بیرون می‌دهد، قبر دریافت می‌کند و سپس از خود بیرون می‌دهد. چطور زهدان نطفه را با سروصدا دریافت و کودک را با سروصدا زیاد از خود بیرون بدهد، ولی قبر که مرده را با سروصدا شیون فراوان تشییع کنندگان دریافت می‌دارد، به طریق اولی مرده را با سر و صدا فراوان از خود بیرون ندهد.^{۶۳}

محل رستاخیز

در مورد محل وقوع رستاخیز مردگان اعتقاد رایج و راسخ این است که این واقعه عظیم و شگرف، در سرزمین مقدس فلسطین روی خواهد داد، ولی در مورد این که چه کسانی زنده می‌شوند، اختلاف است؛ برخی می‌گویند فقط خفتگان اسرائیل زنده خواهند شد:

مردگانی که در خاک سرزمین اسرائیل خفته‌اند، از تجدید حیات بهره‌مند خواهند شد. حتی کنیزی کنعانی که در سرزمین اسرائیل به سر می‌برد، مطمئن باشد اهل عالم باقی و جهان آینده است. در زمینی که مورد رضایت خاطر و شادمانی من است، مردگانش بار دیگر زنده خواهند شد، ولی سرزمینی که مایه رضایت من نیست، مردگانش بار دیگر زنده نخواهند شد.^{۶۴}

برخی دیگر عقیده دارند اجساد دیگران نیز قبل از رستاخیز به ارض مقدس منتقل می‌شود:

مردگان تو زنده خواهند شد و جسدهای من برخواهند خاست.^{۶۵}

قسمت اول آیه مربوط به کسانی است که در اسرائیل می‌میرند و قسمت دوم مربوط به آنهایی است که در خارج از اسرائیل فوت می‌کنند.^{۶۶}

خداوند اجساد دانش‌مندان ما را که در بابل سکونت دارند، در زیرزمین با نقبی هم‌چون مشک‌ها خواهد غلتانید و

و عدالت الهی آشکار شده است. این راه حل معمای وجود بدی‌ها و شرارت‌هایی حاکم در جهان کنونی است و به تصویر عالمان یهود از جهان آینده، زیبایی و لطف خاصی بخشیده است. رنج‌ها و محرومیت‌هایی که انسان معصومانه و از روی میل و رضا بر خود قبول می‌کند، به او کمک می‌کند به جهان آینده راه یابد. تورات، سرزمین اسرائیل و جهان آینده که سه هدیه خدا به اسرائیل است، بعد از تحمل رنج‌ها و سختی‌های فراوان به آنها عطا می‌شود.

تفاوت جهان کنونی و جهان آینده

علامت خاصی که دو جهان کنونی و آینده را از یک‌دیگر متمایز می‌کند، ارزیابی دوباره ارزش‌هاست: در جهان آینده عادلان و نیکوکاران بر تخت نشسته و تاج‌های خود را بر سر دارند و از فروغ و شکوه شخینا، نور جلال الهی لذت می‌برند.^{۷۲} در جهان آینده دیگر، امیال و هوس‌های جسمانی مزاحم انسان نخواهند شد و نفوذ و قدرت طبیعت عقلانی و روحانی شخصی بر او مسلط خواهند بود.^{۷۳} جهان کنونی بی‌ثبات است، ولی زندگی در جهان آینده ثبات دارد و در آن تغییر و تبدیلی وجود ندارد و عالی‌ترین و بهترین صورت زندگی، صلح و صفای کامل توأم با لذت حاصله از مشاهده جلال الهی است. یک ساعت از چنین سعادت و در شرایط چنان جهانی، از تمام دگرگونی‌ها و فرصت‌های این زندگی فانی بهتر و خوش‌تر است.

سهم غیر یهودیان از جهان آینده

در این‌که آیا غیر یهودیان از جهان آینده سهم می‌برند، نظرات متفاوتی وجود دارد. برخی معتقدند: در میان افراد سایر ملت‌ها، عادلان و نیکوکارانی یافت می‌شوند که از جهان آینده و عالم باقی سهم خواهند داشت.^{۷۴} صالحان و نیکوکاران غیر یهود نیز از جهان آینده و عالم باقی نصیب خواهند داشت.

آخرین داوری

پاداش و کیفر از معتقدات اصلی یهود است و این تنها راه حل وضعیت اسفانگیز ملت یهود به شمار می‌رود.

هرکس بر ملت اسرائیل به ناحق و از روی ظلم و ستم قیام کند، چنان است که گویی علیه ذات قدوس متبارک قیام کرده است. خداوند باید ملل ستم‌گر را به خاطر رفتار ظالمانه‌ای که نسبت به ملت اسرائیل داشته‌اند، به محاکمه احضار کند.^{۷۵}

علاوه بر دادگاهی که روح هر فرد انسان پس از مرگ در آن حضور می‌یابد و به اعمالش رسیدگی می‌شود، دادگاهی نیز برای محاکمه ملت‌های ستم‌گر تشکیل خواهد شد.

این واقعه در آغاز دوران ماشیح، هنگامی که عدالت و نیکوکاری و درستی در جهان

مردگانی که در خاک سرزمین اسرائیل خفته‌اند، از تجدید حیات بهره‌مند خواهند شد. حتی کنیزی کنعانی که در سرزمین اسرائیل به سر می‌برد، مطمئن باشد اهل عالم باقی و جهان آینده است. در زمینی که مورد رضایت خاطر و شادمانی من است، مردگانش بار دیگر زنده خواهند شد، ولی سرزمینی که مایه رضایت من نیست، مردگانش بار دیگر زنده نخواهند شد

حکم فرما شود، روی خواهد داد.

برخی آیات که بر این موضوع دلالت می‌کنند، عبارتند از:

خداوند، لشکرها را به قضاوت و انصاف متعال خواهد شد.^{۷۶}

خداوند، به محاسبه برخاسته و به جهت داوری قوما ایستاده است.^{۷۷}

من نظر می‌کردم تا که کرسی‌ها برقرار شدند.^{۷۸}

خداوند را دیدم که بر کرسی بلند و عالی نشسته بود.^{۷۹}

پادشاهی که بر کرسی داوری می‌نشیند.^{۸۰}

کرسی کشورها را واژگون خواهم نمود.^{۸۱}

خداوند همراه پیران قوم خود برای قضاوت خواهد آمد.^{۸۲}

صحنة داوری ملت‌ها

در جهان آینده، ذات قدوس متبارک طوماری از تورات را پیش خود می‌گذارد و می‌فرماید: هرکس به آموختن این تورات و انجام فرمان‌های آن مشغول بوده، بیاید و پادشاه خود را دریافت نماید. بی‌درنگ همه ملت‌های جهان گرد آمده و با بی‌نظمی پیش می‌روند. خدا به آنها می‌فرماید: با بی‌نظمی به درگاه من می‌آیید؟ بلکه هر ملت به همراه معلمان و رهبران خود به حضور آید. ... همه ملت‌ها به ترتیب می‌آیند و پس از سؤال و جواب نو میدان باز می‌گردند.

سپس همه ملت‌ها به حضور خداوند چنین ادعا خواهند کرد: ای پروردگار عالم آیا تو تورات را به ما دادی و ما آن را قبول نکردیم؟ ولی آنها نمی‌توانند چنین ادعایی داشته باشند، مگر نه این که ذات قدوس متبارک تورات را به همه ملت‌ها پیش نهاد کرد، اما جز ملت اسرائیل هیچ کس نپذیرفت؟

عاقبت این محاکمه با محکومیت ملت‌های کافر و ستمگر و تجلیل و سرافرازی قوم اسرائیل پایان می‌یابد.^{۸۳}

روز داوری بزرگ، برای مردم عادی پس از مرگ واقع می‌شود. نه فقط یهودیان بلکه همگی انسان‌ها پس از مرگ برای روز حساب فرا خوانده می‌شوند.

در بسیاری از عبارات کلمات «عادلان و نیکوکاران» و «شریران و بدکاران» بدون ذکر مذهب یا ملیت آنان آمده است.

شریران و بدکاران در جهان آینده به دوزخ محکوم خواهند شد و علیه ذات قدوس متبارک نالیده، خواهند گفت: ما منتظر نجات قدوس متبارک بودیم و اکنون آیا رواست که چنین سرنوشتی نصیب ما گردد؟

آن‌گاه ذات قدوس متبارک بدیشان خواهد فرمود: مگر نه این که شما وقتی که در جهان روی زمین بودید با هم‌نوعان خود اختلاف و مشاجره داشتید، سخن چینی می‌کردید، به یکدیگر تهمت می‌زدید و همه نوع شرارت و بدی از دست شما برمی‌آمد؟ مگر نه این که اهل نزاع بودید و به یکدیگر ظلم و ستم می‌کردید؟ برای همین مکتوب است: اینک جملگی شما آتش می‌افروزید و کمر خود را با جرقه‌ها و شعله‌های آتش می‌بندید.^{۸۴}

نیکوکاران و بدکاران قوم یهود

یهودیان به جهت پذیرش تورات، مسئولیت سنگین تری بر عهده دارند. همان‌طور که اطاعت از فرمان‌های تورات و انجام دستورات آن پادشاه عظیمی را برای آنان در پی دارد، نافرمانی از اوامر الهی مجازات و عقوبت سختی را برای ایشان خواهد آورد.

خداوند، نیکوکاران و بدکاران اسرائیل را داوری خواهد کرد؛ به دوزخ خواهد فرستاد و با نشان دادن جای خالی در بهشت و جهنم به دو گروه، با آنها اتمام حجت خواهد کرد.

خداوند بدکاران را در مقابل نیکوکاران و دوزخ را در مقابل بهشت آفریده است. هر انسانی دو سهم در جهان آینده دارد: یکی در بهشت و یکی در دوزخ؛ آن کس که شایسته و نیکوکار است، سهم خویش و سهم هم‌نوع بدکار خود را در بهشت وارث می‌شود و آن کس که مجرم و بدکار است، قسمت خویش و قسمت هم‌نوع

نیکوکار خود را در دوزخ به میراث می‌برد.^{۸۵}

ثبث اعمال

از همهٔ اعمال انسان در روزهای زندگی، گزارشی ثبت می‌شود تا هنگام داوری از آن استفاده کنند و تمام اعمال تو در کتاب نوشته و ثبت می‌شوند.^{۸۶}

در لحظهٔ مرگ، همهٔ اعمال آدمی پیش روی او جزء به جزء ظاهر می‌شوند و به او می‌گویند: زیر ثبت دفتر را امضا کن و او امضا می‌کند و عادلانه بودن حکم را گواهی می‌کند و می‌گوید: مرا از روی عدالت و انصاف کامل داوری کرده‌اید.

حتی سخنان اضافی را که میان انسان و همسرش رد و بدل می‌گردد، در ساعت مرگ برای وی بازگو می‌کنند.

خداوند در جواب اعتراض بدکاران می‌گوید: من نمی‌خواستم از روی اعمال شما پرده بردارم، سپس گزارش اعمال آنها را از روی آن چه که ثبت شده است، می‌خواند و سپس همگی به دوزخ مخلد می‌شوند.^{۸۷}

گاهانی که انسان آنها را با بی‌اعتنایی مرتکب می‌شود و ناچیز می‌پندارد، در روز داوری او را احاطه می‌کند. گویا در این جهان آنها را زیر پاشنه‌هایش لگدکوب کرده بود: گناه پاشنه‌هایم مرا احاطه می‌کند.^{۸۸}

سؤالات رستاخیز

در روز رستاخیز این سؤالات را از آدمی می‌پرسند: آیا داد و ستد و کار و کسب از روی درستی و امانت بود؟ آیا اوقاتی را برای آموختن تورات اختصاص می‌دادی؟ آیا وظیفهٔ خود را در امر تشکیل خانواده و زاد و ولد به خوبی انجام دادی؟ آیا منتظر ظهور و نجات ماشیح بودی؟ آیا کوشش و جهد می‌نمودی که از هر مطلب حکمت‌آمیز، مطلب تازه‌ای را درک و استنباط کنی و از آن نتیجه‌گیری؟ حتی اگر بتواند به تمام این پرسش‌ها پاسخ مثبت بدهد، با این حال، اگر ترس از خداوند گنجینهٔ او باشد،^{۸۹} برای او سودمند است و در غیر این صورت سودی عاید او نخواهد شد.^{۹۰}

گروه‌های مردم در روز داوری نهایی

بنا به گفتهٔ پیروان مکتب شمایی در روز داوری نهایی، مردم به سه گروه تقسیم می‌شوند: نیکوکاران کامل، بدکاران کامل و اشخاص میانه. نام نیکوکاران کامل در دفتر حیات ابدی می‌آید و حکم زندگی جاویدان برای آنان مهم می‌شود. نام بدکاران کامل بلافاصله برای افتادن به دوزخ ثبت می‌گردد و حکم مجازات آنان آماده است. چنان که مکتوب است:

و بسیاری از آنانی که در خاک زمین خفته‌اند، بیدار می‌شوند. اما اینان برای زیستن زندگی جاودانه، و آنان برای تحمل رسوایی‌ها و ننگ ابدی.^{۹۱}

یهودیان به جهت پذیرش تورات، مسئولیت سنگین‌تری بر عهده دارند. همان‌طور که اطاعت از فرمان‌های تورات و انجام دستورات آن پاداش عظیمی را برای آنان در پی دارد، نافرمانی از اوامر الهی مجازات و عقوبت سختی را برای ایشان خواهد آورد.

خداوند، نیکوکاران و بدکاران اسرائیل را داوری خواهد کرد؛ به نیکوکاران اجازه خواهد داد که داخل بهشت شوند و بدکاران را به دوزخ خواهد فرستاد و با نشان دادن جای خالی در بهشت و جهنم به دو گروه، با آنها اتمام حجت خواهد کرد

افراد میانه‌حال به دوزخ می‌روند (و از تحمل عذاب‌های آن) فریادها می‌زنند و سپس از دوزخ برمی‌آیند و آزاد می‌شوند. چنان‌که گفته شده است: دسته سوم را به میان آتش خواهیم برد و ایشان را مثل تان گذاشتن نقره قال خواهیم گذاشت و مانند مصفا ساختن طلا ایشان را مصفا خواهیم نمود. آنان نام مرا خواهند خواند و من دعای ایشان را اجابت خواهم کرد.^{۹۲}

تمام آنانی که به دوزخ می‌افتند، از آن بالا می‌آیند، به جز سه گروه که در جهنم باقی می‌مانند و هرگز از آن آزاد نمی‌شوند:

یکم. کسانی که با زنی شوهردار زنا می‌کنند؛

دوم. کسانی که هم‌نوع خود را در میان جمع خجالت می‌دهند؛

سوم. آنان که نام و عنوان زشت بر روی دیگران می‌گذارند (و

او را به آن نام می‌خوانند).^{۹۳}

با توجه به اختلافات موجود در این بحث چنین می‌توان نتیجه گرفت:

عده‌ای می‌گویند: شخص شریر و بدکار کامل به مجازات ابدی محکوم خواهد شد.

عده‌ای دیگر می‌گویند: اعتقاد بالا با رحمت الهی ناسازگار است؛ چون خداوند کثیرالاحسان است.^{۹۴} البته گناه‌کاران باید مجازات شوند، ایشان دوازده ماه رنج می‌کشند و سپس نابود می‌شوند؛ زیرا شایستگی ورود به بهشت ندارند. ارواح افرادی که زیاده از حد شریر و بدکار بوده‌اند، در دوران‌هایی بسیار در دوزخ به سر خواهند برد.

گذراندن دوران‌هایی بسیار، به معنای ابدیت نیست و این مطلب از جمله «جهنم تمام خواهد شد» مفهوم می‌گردد. این ارواح پس از رنج بردن در دوزخ معدوم نخواهند شد، بلکه به عنوان موجوداتی صاحب عقل و شعور در حالت پشیمانی دائمی به هستی خود ادامه خواهند داد.

پی‌نوشت‌ها

* کارشناس ارشد ادبیان و کلام و پژوهشگر مهدویت

- ۱ . سنه‌درین، ۹۸ ب.
- ۲ . پساحیم، ۵۴ الف.
- ۳ . پسیقتا رباتی، ۱۵۲ ب.
- ۴ . هوشع، ۵:۳.
- ۵ . یروشلمی، براخوت ۵ الف.
- ۶ . مزامیر، ۵۱:۱۸.
- ۷ . ایخا ربا، ۵۱:۱.
- ۸ . پیدایش، ۱۰:۴۹.
- ۹ . مزامیر، ۱۷:۷۲.
- ۱۰ . ارمیا، ۱۳:۱۶.
- ۱۱ . مراثی ارمیا، ۱۶:۱.
- ۱۲ . اشعیا، ۴:۵۳.
- ۱۳ . یاوا مصیعا، ۸۵ الف.
- ۱۴ . زکریا، ۱۲:۶.
- ۱۵ . عاموس، ۱۱:۹.
- ۱۶ . زکریا، ۱۰:۱۲؛ سوکا، ۵۲ الف؛ عودیا، باوایترا، ۱۲۳ ب.
- ۱۷ . اعداد، ۱۷:۲۴.
- ۱۸ . یروشلمی تعنیت، ۶ دال.
- ۱۹ . اشعیا، ۲۲:۶۰.
- ۲۰ . نه‌درین، ۱۹۸ الف.
- ۲۱ . حقوق، ۳:۲.
- ۲۲ . یوما، ۸۶ ب.
- ۲۳ . سنه‌درین، ۹۷ ب.
- ۲۴ . یروشلمی تعنیت، ۲ الف.
- ۲۵ . ثبات، ۱۱۸ ب.
- ۲۶ . کتوبوت، ۱۱۱ ب.
- ۲۷ . یروشلمی تعنیت، ۲ الف.
- ۲۸ . کتوبوت، ۱۱۱ ب.
- ۲۹ . ثبات، ۳۰ ب.
- ۳۰ . اشعیا، ۱۹:۶۰.
- ۳۱ . حزقیال، ۹:۴۷.
- ۳۲ . همان، ۱۲:۴۷.
- ۳۳ . همان، ۵۵:۱۶.
- ۳۴ . اشعیا، ۱۱:۴۵ - ۱۲.
- ۳۵ . همان، ۳:۶۰.
- ۳۶ . همان، ۶:۱۱ - ۸.
- ۳۷ . هوشع، ۲:۲۰.
- ۳۸ . اشعیا، ۱۹:۶۵.
- ۳۹ . همان، ۸:۲۵.
- ۴۰ . همان، ۱۰:۳۵؛ شموت ربا، ۲۱:۱۵.
- ۴۱ . توسیقتا، سنه‌درین، ۱۳:۱۲.

۶۲. اشعیا، ۶:۴۳.
۴۳. مزامیر، ۱۷:۱۰۲.
۴۴. پسیقتا، ۷۹ الف.
۴۵. شیر هشیبریم ربا، غزل غزل‌ها، ۳۰.
۴۶. سنهدرین، ۹۷ الف.
۴۷. عوودازارا، ۳ ب.
۴۸. سنهدرین، ۹۵ الف.
۴۹. مشینا براخوت، ۵:۹.
۵۰. سفیره دواریم، ۳۰:۶ ص ۱۳۲ الف.
۵۱. اعداد، ۲۸:۱۸.
۵۲. سنهدرین، ۹۰ ب.
۵۳. تثنیه، ۴:۴.
۵۴. سنهدرین، ۹۰ ب.
۵۵. تثنیه، ۳۹:۳۳.
۵۶. خروج، ۱۵:۱۰.
۵۷. مزامیر، ۵۸:۸۴.
۵۸. تثنیه، ۳۳:۶.
۵۹. دانیال، ۲:۱۲.
۶۰. اعداد، ۳:۱۵.
۶۱. سنهدرین، ۹۰ ب.
۶۲. امثال سلیمان، ۱۵:۳۰ - ۱۶.
۶۳. براخوت، ۱۵ ب.
۶۴. کنویوت، ۱۱۱ الف.
۶۵. اشعیا، ۱۹:۲۶.
۶۶. کنویوت، ۱۱۱ الف.
۶۷. بروشلمی کنویوت، ۱۲ ب ۱.
۶۸. مشینا سوطا، ۱۵:۹؛ ملاکی، ۲۳: ۳.
۶۹. سنهدرین، ۹۲ الف.
۷۰. مشینا آووت، ۲۱:۱۴.
۷۱. سفیره دواریم، ۳۵۶ ص ۱۴۸ ب.
۷۲. براخوت، ۱۷ الف.
۷۳. همان، ۵۷ ب.
۷۴. سنهدرین، ۲:۱۳.
۷۵. مخیلتا، ص ۱۳۹ الف.
۷۶. اشعیا، ۱۶:۵.
۷۷. همان، ۱۳:۳.
۷۸. دانیال، ۹:۷.
۷۹. اشعیا، ۱۶.
۸۰. امثال سلیمان، ۸:۲۰.
۸۱. حجی، ۲۲:۲.
۸۲. اشعیا، ۱۴:۳.
۸۳. عوودازارا، ۲ الف، ۳ الف.
۸۴. اشعیا، ۱۱:۵۵.
۸۵. حجیگا، ۱۵ الف.
۸۶. مشینا آووت، ۱:۲.
۸۷. میدارثس تهیلیم، مربوط به مزمور اول.
۸۸. مزامیر، ۵:۴۹.
۸۹. اشعیا، ۶:۳۳.
۹۰. ثبات، ۳۱ الف.
۹۱. دانیال، ۲:۱۲.
۹۲. زکریا، ۹:۱۳.
۹۳. باوامصیعا، ۵۸ ب.
۹۴. خروج، ۶:۳۴.